



عربی دهم

(ادبیات و علوم انسانی)



▲ درس نامه کامل

▲ پرسش های چهارگزینه ای (تألیفی و کنکور و مسابقات)

▲ پاسخ نامه تشریحی با نکته های کلیدی

▲ برای داوطلبان رشته های برتر دانشگاه های مشهور

خدیجه علیپور

الحمد لله



به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

دانش‌آموزان گرامی

ورود شما را به دوره‌ی دوم متوسطه تبریک می‌گوییم. این دوره، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده‌ی شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره‌ی سه ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های عربی زبان قرآن را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب، برای دانش‌آموزانی به رشته‌ی تحریر در آمده است که مایلند در بهترین رشته‌های دانشگاهی تحصیل کنند. مؤلف محترم کتاب عربی پس از ارائه‌ی درسنامه‌ی جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهد که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تألیفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه پاسخ‌نامه‌ی تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد. در پایان، وظیفه‌ی خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، سرکار خانم خدیجه علیپور و دبیر محترم مجموعه تشکر کنیم.

هم‌چنین از خانم لیلا مهرعلیپور که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب را برعهده داشته است و خانم بهاره خدای (گرافیک و طراح جلد) بسیار ممنونیم و برای همه‌ی این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

انتشارات مبتکران



٧.....	الدَّرْسُ الأوَّلُ
	مُراجَعَةُ دروسِ المَتَّفِ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ
٣٣	الدَّرْسُ الثَّانِي
	«إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ» أميرُ الْمُؤْمِنِينَ علي عليه السلام
٥٧	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
	مَطَرُ السَّمَكِ
٧٣	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
	التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ
٨٧	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
	(هَذَا خَلَقَ اللَّهُ) لقمان ١١
١٠٣	الدَّرْسُ السَّادِسُ
	الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ
١٢٥	الدَّرْسُ السَّابِعُ
	صِنَاعَةُ النِّفْطِ
١٤٥	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
	بَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ
١٦١	سُؤَالَاتُ كَنُكُورِ ٩٨ وَ ٩٩ هَمْرَاهُ بَا پَاسِخِ تَشْرِیْحِی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



ترجمه درس اول

مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

دوره درس‌های کلاس هفتم و هشتم و نهم



﴿ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ﴾ (او همان خداست.)

۱. أَنْظُرْ لِّتِلْكَ الشَّجَرَه / ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَه (به آن درخت با شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.)
۲. كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَه (چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟)
۳. فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَه (پس بگرد و بگو آن چه کسی است که از آن میوه بیرون می‌آورد؟)
۴. وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَه (و به خورشیدی که آتش آن فروزان است، بنگر.)
۵. فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَه (در آن روشنایی است و به وسیله آن گرمایی پخش شده است.)
۶. مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَه (چه کسی آن را در فضا همچون اخگر پدید آورد؟)
۷. ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَ مِنْهُمْ رَه (آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.)
۸. ذُو حِكْمَةٍ بَالِغَةٍ / وَ قُدْرَةٍ مُّقْتَدِرَه (صاحب حکمتی کامل و قدرتی باشکوه است.)
۹. أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَه (به شب بنگر پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورد؟)
۱۰. وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ / كَالذَّرَرِ الْمُنْتَشِرَه (و آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده زینت داد.)
۱۱. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَه (و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را فرو فرستاد.)
۱۲. فَصَبَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرَه (پس زمین را به وسیله آن پس از غبار آلودگی، سرسبز گردانید.)
۱۳. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ / مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَه (و به انسان بنگر و بگو چه کسی در آن دیده‌اش را شکافت؟)
۱۴. مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَه / بِقُوَّةٍ مُّفْتَكِرَه (او کیست که آن را به نیروی اندیشمندی مجهز ساخته است؟)
۱۵. ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَ مِنْهُمْ رَه (او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.)

مستتر

عربی دهم (ادبیات و علوم انسانی)



حوارات (التعارُفُ في مطارِ النَّجفِ الأشرفِ)

گفت و گوهای (آشنایی با همدیگر در فرودگاه نجف اشرف)

زائرُ مَرَقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

(زائر بارگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

(سلام بر شما)

صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. (صبح بخیر ای برادرم)

كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟)

بَخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. (خوبم و شکر خدا)

أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. (من از جمهوری اسلامی ایران هستم). مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم شریف شما چیست؟)

إِسْمِي حُسَيْنٌ وَمَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (نام من حسین است و نام شریف شما چیست؟) إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ (نامم عبدالرحمان است).

هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟ (آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای؟) لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. (نه متأسفانه. اما دوست دارم که سفر کنم).

دوست دارم که سفر کنم).

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانٍ! (اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!) إِنْ شَاءَ اللَّهُ. إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ. (اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت)

دیدار؛ به سلامت)

فِي أَمَانٍ اللَّهُ. (خداحافظ)

فِي أَمَانٍ اللَّهُ وَحِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. (خدا نگهدارتان . ای دوستم)

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ

(با یکی از کارمندان در سالن فرودگاه)

وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و سلام و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

صَبَاحَ النَّورِ وَالسُّرُورِ. (صبح با نور و شادی)

أَنَا بِخَيْرٍ وَكَيْفَ أَنْتَ؟ (من خوبم تو چطوری؟)

عَفْوًا مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (بیخشید اهل کجایی؟)



آموزش قواعد درس اول

(دوره سه ساله متوسطه اول)



اسم در زبان عربی از نظر جنس به مذکر و مؤنث تقسیم می‌شود.

* **مذکر:** اسم مذکر نشانه‌ای ندارد و بر جنس مذکر که شامل انسان یا حیوان و یا اشیاء می‌شود، دلالت می‌کند. مانند: (جَبَل، علی، بَیت و)

* **مؤنث:** اسم مؤنث را با علامت (ة، ة) می‌شناسیم و بر جنس مؤنث که شامل انسان یا حیوان و یا اشیاء می‌شود، دلالت می‌کند. مانند: (فاطمة، وَرْدَة، غُرَالَة و)

❖ **نکته:** اسم مؤنث گاهی بدون علامت است و در معنا مؤنث به شمار می‌آید. مانند: «زینب، مَریم» و گاهی اسم‌های مذکر علامت مؤنث دارند ولی در معنا مذکر هستند. مانند: «طَلْحَة، مُعَاوِیَة»

تقسیم اسم از نظر عدد:



۱. **مفرد:** اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز و یا یک حیوان دلالت کند. مانند: (طَالِبَة، سُوق، کَلْب و ...)

۲. **مثنی:** اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت نماید و با اضافه کردن «ان» و یا «ین» به آخر اسم مفرد (مذکر / مؤنث)، اسم مفرد را به اسم مثنی تبدیل می‌کنیم.

مانند: کتاب ← کتابان، کتابین / مانند: سَيَّارَة ← سَيَّارَتان، سَيَّارَتین

۳. **جمع:** اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و بر سه قسم است:

۱. **جمع مذکر سالم:** جمعی است که با اضافه کردن «ون» و یا «ین» بر آخر اسم مفرد مذکر انسان یا صفت آن ساخته می‌شود.

مانند: معلّم (مفرد مذکر انسان) ← مُعَلِّمُون، مُعَلِّمِین

مانند: مؤمن (صفت انسان مذکر) ← مُؤْمِنُون، مُؤْمِنِین

۲. **جمع مؤنث سالم:** جمعی است که با افزودن «ات» بر آخر اسم مفرد مؤنث یا صفت آن به دست می‌آید.

مانند: طالِبَة (مفرد مؤنث انسان) ← طَالِبَات

مانند: مُحَبِّبَة (صفت انسان مؤنث) ← مُحَبِّبَات

۳. **جمع مکسر:** جمعی است که با تغییر دادن و در هم شکستن اسم مفرد تشکیل می‌گردد و برای اسم‌های مذکر و مؤنث و

انسان و غیر انسان به کار می‌رود و ساختن آن قاعده معین و قیاسی ندارد. مانند: (طَلَّاب، طَلِبَة (طالب)، کُتُب (کتاب)،



حَقَائِب (حَقِيبَة)، أَيَّام (يَوْم)، فَوَاكِه (فَاكِهَة)، أَلْوَان (لَوْن)، الْقَصَص (قِصَّة)، عُيُون (عَيْن) و ...)

دقت کنید گاهی همیشه «ات» نشانه جمع مؤنث نمی تواند باشد و ممکن است که «ت» جزو حروف اصلی خود کلمه باشد.

مانند: (أَمَوَات ← مَيِّت / أَيْيَات ← بَيْت / أَصَوَات ← صَوْت / أَوَاقَات ← وَقْتُت)

اسم‌های اشاره: برای اشاره به شخصی و یا چیزی از اسم‌های اشاره کمک می گیریم.

۱. اسم‌های اشاره به نزدیک:

هذا (مفرد مذکر: هذا جَبَلُ (این کوه است) / هذه (مفرد مؤنث: هذه مِئْذَنَة (این میز است) / هذان (مثنی مذکر: هذان طَالِبَانِ (این دو دانش آموز) / هاتان (مثنی مؤنث: هاتان لَوْحَتَانِ (این دو تابلو) / هؤلاء (جمع مذکر / مؤنث: هؤلاء رِجَالٌ (این‌ها مردانی هستند) / هؤلاء نِسَاءٌ (این‌ها زنانی هستند).

۲. اسم‌های اشاره به دور:

ذلِكَ (مفرد مذکر: ذلِكَ كِتَابٌ) (آن کتابی است) / تِلْكَ (مفرد مؤنث: تِلْكَ سَفِينَةٌ (آن کشتی است) / أُولَئِكَ (برای جمع مذکر و جمع مؤنث هر دو به کار می رود) (أُولَئِكَ الْمُعَلِّمُونَ: (آن معلم‌ها)، أُولَئِكَ الْمُعَلِّمَاتُ: آن معلم‌ها)

اسم‌های استفهام: (کلمات پرسشی)

۱. أ، هل (آیا) در جواب (أ، هل) از نَعَمْ (بله) لا (نه) استفاده می کنیم. مثال: هل هذا تَلْمِیْذٌ؟ نَعَمْ، هذا تَلْمِیْذٌ. (آیا این دانش آموز است؟ بله، این دانش آموز است).

مثال: أهذه غُرَالَةٌ؟ لا، هذه سَفِينَةٌ. (آیا این آهو است؟ نه، این کشتی است).

۲. مَنْ (مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ) (چه کسی، کیست) (برای سؤال درباره انسان به کار می رود). اگر بپرسیم او کیست می گوئیم:

مثال: «مَنْ هُوَ؟ هُوَ طَالِبٌ». یا «مَنْ هِيَ؟ هِيَ طَالِبَةٌ». (او چه کسی است؟ او دانش آموز است).

۳. لِمَنْ (مال چه کسی، مال چه کسانی) (درباره مالکیت سؤال می کند و در جواب آن از «لِ» (برای) استفاده می کنیم).

مثال: «لِمَنْ هذا القَمِیْصُ؟ لِسِجَّاد». (این پیراهن مال چه کسی است؟ برای سِجَّاد).

۴. مَا (ما هُوَ، ما هِيَ) (چه چیزی، چیست، چه) (برای سؤال در مورد غیر انسان بکار می رود).

مثال: «ما هذا؟ هذا قَلَمٌ». یا «ما هذه؟ هذه رِسَالَةٌ». (این چیست؟ این مداد است، این چیست؟ این نامه است).

«ما» به صورت «ماذا، ماهُو، ما هِيَ» نیز بکار می رود.





مثال: ماذا في الحقيقة؟ (در کیف چه چیزی هست؟) / ما هو؟ ما هي؟ (آن چیست؟) / ما هي الحقيقة؟ (حقیقت چیست؟) / ما هو الفعل؟ / (فعل چیست؟)

نکته: (هو، هی) بعد از «ما» معنی نمی‌شود.

۵. **این** (کجا، کجاست) (کلمه «این» برای پرسش در مورد مکان به کار می‌رود).

در جواب «این»، از کلمات زیر استفاده می‌کنیم.

(فوق: بالا، تحت: زیر، أمام: مقابل، جنب: کنار، عند: نزد، حول: پیرامون، بین: میان، فی: در)

۶. **مِنْ** **أَيْنَ** (اهل کجایی، از کجایی) (برای این که پرسیم اهل کجایی؟ از «مِنْ أَيْنَ» استفاده می‌کنیم. مثال: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أنا مِنْ

مشهد، أنا مشهدي. (من از مشهد هستم، من مشهدی هستم.) (به دو شکل می‌توان پاسخ داد).

۷. **كَمْ** (چند) در جواب «كَمْ» عدد می‌آید.

مثال: كم قلماً في المحفظة؟ ثلاثة أقلام. (چند مداد در کیف هست؟ سه مداد).

مثال: كم طالبة في المكتبة؟ خمس طالبات. (در کتابخانه چند دانش‌آموز است؟ پنج دانش‌آموز)

۸. **كيف** (چگونه، چطور) (در جواب «كيف» حالت‌ها می‌آیند).

(مسروراً (شاد)، فرحاً (خوشحال)، ضاحكاً (خندان)، حزيناً (غمگین)، بسرعة (با سرعت)، بهدوء (به آرامی) و...)

مثال: كيف تذهب إلى الضيافة؟ أذهب ضاحكاً. (چگونه به مهمانی می‌روی؟ خندان می‌روم).

۹. **متى** (چه وقتی) (درباره زمان انجام کاری پرسش می‌کند).

در پاسخ «متى» از کلماتی که بر زمان دلالت می‌کنند استفاده می‌کنیم.

مانند: (اليوم (امروز)، أمس (دیروز)، غداً (فردا)، صباح (صبح)، مساءً (عصر)، نهار (روز)، ليل (شب)، قبل سنتين (دو سال پیش)،

بعد شهرين (دو ماه بعد)، في الشهر الماضي (در ماه گذشته)، في الساعة (در ساعت) و

مثال: متى ذهبتم إلى كربلاء؟ ذهبنا قبل أسبوعين. (چه زمانی به كربلا رفتید؟ دو هفته قبل رفتیم).

ضمیر: کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند تا از تکرار آن جلوگیری کند. مثال: علی طيب. هو في الغرفة.

(من (أنا)، تو (أنت (مذكر)) أنت (مؤنث)، او (هو (مذكر)) هي (مؤنث)) ما (نحن)، شما (أنتم، أنتما (مثنی)، (أنتم (جمع مذكر)) أنتن

(جمع مؤنث)، ایشان هُما، هُما (مثنی)، هُم (جمع مذكر) هُنَّ (جمع مؤنث)

اقسام فعل:

۱. **فعل ماضی:** فعلی است که بر انجام دادن کاری در زمان گذشته دلالت می‌کند. (ذهب: رفت، جاء: آمد ...)

* **فعل ماضی** با «ما» منفی می‌شود. «ما + جلس ← ما جلس (ننشست)

نام صیغه به فارسی و عربی		فعل ماضی	ترجمه
اول شخص مفرد	(متکلم وحده)	أَنَا سَمِعْتُ	من شنیدم
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	أَنْتَ سَمِعْتَ	تو شنیدی
	مفرد مؤنث مخاطب	أَنْتِ سَمِعْتِ	
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غائب	هُوَ سَمِعَ	او شنید
	مفرد مؤنث غائب	هِيَ سَمِعَتْ	
اول شخص جمع	متکلم مع الغیر	نَحْنُ سَمِعْنَا	ما شنیدیم
دوم شخص جمع	مثنی مذکر / مؤنث مخاطب	أَنْتُمَا، أَنْتُمَا سَمِعْتُمَا	شما شنیدید
	جمع مذکر / مؤنث مخاطب	أَنْتُمْ سَمِعْتُمْ، أَنْتُنَّ سَمِعْتُنَّ	
سوم شخص جمع	مثنی مذکر / مؤنث غائب	هُمَا، هُمَا سَمِعَا، سَمِعَتَا	ایشان شنیدند
	جمع مذکر / مؤنث غائب	هُمْ سَمِعُوا، هُنَّ سَمِعْنَ	

۲. فعل مضارع: فعلی است که بر انجام دادن کاری در زمان حال و یا آینده دلالت می‌کند. (يَذْهَبُ: می‌رود، تَجْلِسِينَ: می‌نشینید)

* اگر یکی از حروف «أ، ت، ی، ن» بر سر فعل ماضی بیاید، فعل ماضی به فعل مضارع تبدیل می‌شود.

مانند: كَتَبَ ← يَكْتُبُ

* فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود. مانند: لا + يَرْقُدُ ← لا يَرْقُدُ (نمی‌خوابد)

* اگر بر سر فعل مضارع حروف «س، سَوْفَ» بیاید معنای فعل مضارع را به مستقبل (آینده) تبدیل می‌کنند.

 مثال: س، سوف + يَسْأَلُ ← سوف يَسْأَلُ، سَيَسْأَلُ (خواهد پرسید)

* فعل مضارع نهی: فعلی است که شخص را از انجام کاری باز می‌داریم و به او دستور می‌دهیم که آن کار را انجام ندهد.

شیوه ساخت: بر سر فعل مضارع «لا» می‌آید و تغییراتی در آخر فعل ایجاد می‌شود که با شکل‌های آن در جدولی که فعل

مضارع را صرف کرده ایم آشنا می شوید.



نام صیغه به فارسی و عربی	فعل مضارع	ترجمه	فعل مضارع منفی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل مضارع منفی	ترجمه	فعل مضارع نهی	ترجمه
اول شخص مفرد	متکلمم وحده	أَنَا أَسْمَعُ	من می شنوم	لا أَسْمَعُ	نمی شنوم					
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	أَنْتَ تَسْمَعُ	تو می شنوی	لا تَسْمَعُ	نمی شنوی	أَنْتِ تَسْمَعِينَ	تو می شنوی	لا تَسْمَعِينَ	لا تَسْمَعُ	نشنو
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غائب	هُوَ يَسْمَعُ	او می شنود	لا يَسْمَعُ	نمی شنود	هِيَ تَسْمَعُ	او می شنود	لا تَسْمَعُ		
اول شخص جمع	متکلمم مع الغیر	نَحْنُ نَسْمَعُ	ما می شنویم	لا نَسْمَعُ	نمی شنویم					
دوم شخص جمع	مثنی مذکر / مؤنث مخاطب	أَنْتُمَا، أَنْتُمَا تَسْمَعَانِ	شما می شنوید	لا تَسْمَعَانِ / لا تَسْمَعُونَ	نمی شنوید	أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ / أَنْتُنَّ تَسْمَعْنَ	شما می شنوید	لا تَسْمَعْنَ	لا تَسْمَعَا	نشنوید
سوم شخص جمع	مثنی مذکر / مؤنث غائب	هُمَا، هُمَا يَسْمَعَانِ / تَسْمَعَانِ / هُمْ يَسْمَعُونَ / هُنَّ يَسْمَعْنَ	ایشان می شنوند	لا يَسْمَعَانِ / لا يَسْمَعُونَ / لا يَسْمَعْنَ	نمی شنوند					



۳. فعل امر: فعلی است که دستور به انجام کاری می‌دهیم.

با دقت در افعال جدول زیر، وزن‌های فعل امر را خوب به خاطر بسپارید.

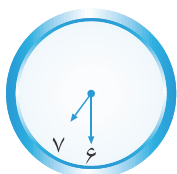
شخص	فعل مضارع	امر	ترجمه
دوم شخص مفرد	تَجْعَلُ (مذکر) تَجْعَلِينَ (مؤنث)	اجْعَلْ (مذکر) اجْعَلِي (مؤنث)	قرار بده
دوم شخص جمع	تَجْعَلَانِ (مثنی مذکر) تَجْعَلَانِ (مثنی مؤنث) تَجْعَلُونَ (جمع مذکر) تَجْعَلْنَ (جمع مؤنث)	اجْعَلَا (مثنی مذکر) اجْعَلَا (مثنی مؤنث) اجْعَلُوا (جمع مذکر) اجْعَلْنَ (جمع مؤنث)	قرار بدهید

ترکیب وصفی: از موصوف و صفت تشکیل می‌شود، موصوف اسمی است که برایش یک ویژگی می‌آوریم و آن ویژگی صفت نامیده می‌شود. مثال: عُمَالٌ مجتهدونَ. (کارگرانی کوشا)
موصوف صفت

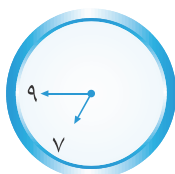
ترکیب اضافی: از مضاف و مضاف‌الیه تشکیل می‌شود، مضاف اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده می‌شود. مثال: صِنَاعَةُ الْوَرَقِ. (صنعت کاغذ)
مضاف مضاف‌الیه

ساعت شماری: كم السَّاعَةِ الْآنَ؟ (اکنون ساعت چند است؟)

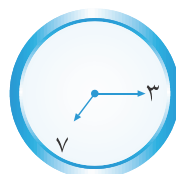
از سه تصویر ساعت داده شده ساعت خوانی را یاد گرفتیم.



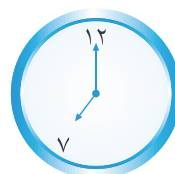
السَّاعَةُ وَالنَّصْفُ.
(هفت و نیم)



السَّاعَةُ إِلَّا رُبْعًا.
(یک ربع مانده به هفت)



السَّاعَةُ وَالرُّبْعُ.
(هفت و ربع)



السَّاعَةُ تَمَامًا.
(هفت کامل)

عددهای اصلی:

عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث
۱	واحد	واحدة	۲	اثنان	اثنتان	۳	ثلاث	ثلاثة	۴	أربع	أربعة
۵	خمس	خمسة	۶	ست	ستة	۷	سبع	سبعة	۸	ثماني	ثمانية
۹	تسع	تسعة	۱۰	عشر	عشرة	۱۱	أحد عشر	إحدى عشرة	۱۲	إثنا عشر	إثنا عشرة



* عدهای ترتیبی حکم صفت را دارند و در جمله معمولاً صفت به شمار می‌روند.

عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث
۱	الأوّل	الأولى	۲	الثاني	الثانية	۳	الثالث	الثالثة	۴	الرابع	الرابعة
۵	الخامس	الخامسة	۶	السادس	السادسة	۷	السابع	السابعة	۸	الثامن	الثامنة
۹	التاسع	التاسعة	۱۰	العاشر	العاشرة	۱۱	الحادی	الحادية	۱۲	الثاني عشر	الثانية عشرة

وزن و حروف اصلی:

* بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف دارند. مثال: حاکم (ح، ک، م) (حروف اصلی).

* در کلماتی مانند «عالم، تعلیم، معلوم و» سه حرف «ع، ل، م» به ترتیب تکرار شده‌اند.

به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند.

* حروف اصلی کلمه به ترتیب با سه حرف «ف، ع، ل» سنجیده می‌شوند.

مثال: ناصِر فاعِل مَنصُور مفعول مَفْعُول

نکته: معمولاً وزن «فاعل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت و وزن «مفعول» به معنای «انجام شده» است.

مثال: حامِد: ستاینده / مَحْمُود: ستوده شده

روزهای هفته (أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ)

۱. یوم السَّبْت: شنبه / ۲. یوم الأَحَد: یکشنبه / ۳. یوم الإثنين: دوشنبه / ۴. یوم الثلاثاء: سه‌شنبه / ۵. یوم الأربعاء: چهارشنبه / ۶.

یوم الخَمِيس: پنج‌شنبه / ۷. یوم الجُمُعَة: جمعه

نام رنگ‌ها (اسم الألوان)

۱. أَخْضَر (سبز) ۲. أبيض (سفید) ۳. أسود (سیاه)

۴. أَحْمَر (قرمز) ۵. أَرْق (آبی) ۶. أَصْفَر (زرد)



۱. عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- (۱) ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾: پروردگار ما را همراه با گروه ستمگران قرار نمی‌دهد.
- (۲) «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ»: هرگاه فرومایگان به فرومانروایی رسیدند؛ شایستگان هلاک شدند.
- (۳) قول «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ: سخن ندانستن نیمه دیگری از دانش است.
- (۴) ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾: و برایم زبان درستی در مورد دیگران قرار داده‌ای.

۲. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) وَانْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً ← پاره آتش
- (۲) فَصَبِّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرِهِ ← خشکی
- (۳) شَاهَدْتُ صَدِيقِي فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ ← سالن
- (۴) نَأْكُلُ الْفُطُورَ فِي الصَّبَاحِ ← صبحانه

۳. «شَجَعْنَا صَدِيقَنَا الْفَائِزَ وَشَكَرْنَاهُ عَلَى لَعْبِهِ الْجَيِّدِ فِي الْمُسَابَقَةِ.» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) دوست برنده، ما را در مسابقه تشویق کرد و ما از او به خاطر کار خوبش سپاسگزاری کردیم.
- (۲) دوست برنده شده را تشویق می‌کنیم و از او به خاطر بازی خوبش در مسابقات تشکر می‌کنیم.
- (۳) دوست برنده‌مان را تشویق کردیم و از او به خاطر بازی خوبش در مسابقه تشکر کردیم.
- (۴) از دوست برنده‌مان در مسابقه تشکر کردیم و او را به بازی خوب تشویق کردیم.

۴. «هُؤُلَاءِ الْمَسَافِرُونَ كَانُوا يُشَاهِدُونَ الْمَدِينَةَ مِنْ خَلْفِ نَافِذَةِ الْحَافِلَةِ.» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) این‌ها مسافرانی بودند که شهر را از پشت شیشه قطار تماشا کردند.
- (۲) این مسافران از پشت پنجره اتوبوس، شهر را تماشا می‌کردند.
- (۳) این‌ها مسافران از پشت پنجره اتوبوس، شهر را تماشا می‌کنند.
- (۴) این مسافران از پشت پنجره‌های اتوبوس، شهر خود را تماشا می‌کردند.

۵. عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِتَكْمِيلِ التَّرْجَمَةِ: «أُصْدِقُنْ فِي حَيَاتِكُنَّ وَلَا تَكْذِبْنَ أَبَدًا.» «در زندگی خود و هرگز

(۱) راست گفتید - دروغ نگفتید

(۲) درستکار باشید - دروغ نمی‌گویید

(۳) راست بگویید - دروغ نگویید

(۴) صداقت داشته باشید - دروغگو نباشید

سبک

درس اول: مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِقِ وَالتَّامِينَ وَالتَّاسِعِ

۶. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمَفْهُومِ «مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ حَصَدَ الْخُسْرَانُ»:

(۱) قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

(۲) هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.

(۳) نخوردیم نان گندم دیدیم دست مردم.

(۴) دشمن دانا که غم جان بُود بهتر از آن دوست که نادان بود.

۷. ما هو الصحيح عن ترجمة الكلمات التي أُشير إليها بخط: «كَانَ التَّعَارُفُ فِي يَوْمِ السَّبْتِ بَيْنَ هَؤُلَاءِ السَّائِحِينَ»

(۱) آشنا شدن با هم - دوشنبه - گردشگران

(۲) مهمانی - یکشنبه - گردش کردن

(۳) آشنایان - شنبه - گردشگری

(۴) آشنایی با یکدیگر - شنبه - گردشگران

۸. عَيِّنِ كَلِمَةً تُنَاسِبُ مَعْنَى هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ تَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ»

(۱) الشَّرَّةُ (۲) حاسوب (۳) الغيم (۴) مخزن

۹. «كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَلْعَبُ وَحْدَهُ فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا» عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) برادر من کوچک در ساعت یک ربع به هفت تنها بازی می‌کرد.

(۲) برادرم که کوچک است در ساعت نه و ربع به تنهایی بازی خواهد کرد.

(۳) کوچکترین برادرم در ساعت نه و ربع تنها بازی می‌کند.

(۴) برادر کوچک من در ساعت یک ربع به نه به تنهایی بازی می‌کرد.

۱۰. عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: كَمِ السَّاعَةُ؟ السَّاعَةُ

(۱) الثامنةُ و الربع.

(۲) الثامنةُ و النصف.

(۳) الثامنةُ إِلَّا رُبْعًا.

(۴) الثانيةُ عَشْرَةَ تَمَامًا.

۱۱. عَيِّنِ عِبَارَةً جَاءَ فِيهَا فِعْلٌ مُضَارِعٌ لِلنَّهْيِ:

(۱) هَؤُلَاءِ النِّسَاءُ لَا يَدْخُلْنَ الْمَكْتَبَةَ.

(۲) لَا تَنْتَظِرُونَ إِلَى كَثَرَةِ صَوْمِهِمْ.

(۳) أَيْتَهَا الْفَائِزَاتُ لَا تَصْرُخْنَ أَبَدًا.

(۴) «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»

۱۲. عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوعِ:

(۱) تَصْعَدُونَ

(۲) أَطْبَحُ

(۳) شَكَرْتُ

(۴) نَهَرْتُ



١٣. عَيِّن الخطأ عن صيغة الأفعال التالية:

- (١) لاَ تَقْرَبِ هذه الشجرة ← مثني مذكر مخاطب
(٢) أَنْتُمْ تَرْحَمُونَ ← جمع مؤنث مخاطب
(٣) هُمْ يَزْرَعُونَ ← جمع مذكر غائب
(٤) أَذْهَبُ إِلَى الصَّفِّ ← متكلم وحده

١٤. عَيِّن عبارة ما جاء فيها فعل أمر:

- (١) اجْعَلِي القلم هنا. (٢) ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ. (٣) أَنْظِرْ إِلَى اللَّيْلِ. (٤) أَكْتُبُ الدَّرْسَ بِدَقَّةٍ.

١٥. عَيِّن المناسب للفراغ: «..... فوق المنضدة؟ كتابان و قلم واحد.»

- (١) كيف (٢) ماهو (٣) مَنْ هِيَ (٤) أَيْنَ

١٦. عَيِّن الصحيح عن أوزان الكلمات التالية و حروفها الأصلية:

- (١) أَكْبَرُ (ك، ب، ر)، مُحَمَّد (ح، م، د) (أَفْعَلُ - مُفْعَل)
(٢) لَاعِب (ل، ب، ع)، صَبَّار (ص، ا، ر) (فَاعِل - فَعَال)
(٣) مِفْتَاح (ت، ا، ف)، نَصِير (ن، ص، ر) (مِفْعَال - فَعُول)
(٤) مَقْدُور (ق، د، و)، سَعِيد (س، ع، د) (مَفْعُول - فِعَال)

١٧. ما هو الضمير المناسب للفراغ: «..... طالبون في الصف العاشر.»

- (١) أَنْتَنْ - هُنَّ - نَحْنُ (٢) أَنَا - أَنْتَمَا - هُمَا (٣) نَحْنُ - هُمْ - أَنْتُمْ (٤) أَنْتُمْ - أَنْتَمَا - هُمْ

١٨. عَيِّن جواباً فيه أنواع الجمع:

- (١) الشوارع مزدحمة و كان المسافرون منتظرين.
(٢) تلك البنات ذهبن إلى مساجد المدينة صباحاً.
(٣) هؤلاء الفلاحون رَقَدُوا تحت الشجرة نهاراً.
(٤) يَجْمَعُ الطالبون و الطالبات اللوازم الضرورية لسفرة علمية.

١٩. عَيِّن عبارة ما جاء فيها من الأعداد الترتيبية:

- (١) لى ثلاثة أصدقاء في الصف التاسع.
(٢) لهذه الشجرة غُصْنَانِ إِثْنَانِ قَصِيرَانِ.
(٣) فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ قَرَأْتُ كِتَاباً وَاحِداً.
(٤) يَلْعَبُ فِي الْقَاعَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ لَاعِبِينَ.

٢٠. عَيِّن عبارة جاء فيها المتضاد:

- (١) جَلَسَ عَلَى عَلَى الْيَسَارِ وَ جَلَسَتْ فَاطِمَةُ جَنْبَهُ.
(٢) أَوْجَدَ الْمَسَافِرُ غُرْفَةً رَخِيصَةً بَيْنَ الْغُرَفِ الْغَالِيَةِ.
(٣) قَبْلَ بَدَايَةِ السَّنَةِ الدِّرَاسِيَّةِ شَاهَدْتُ مُعَلِّمِي.
(٤) اسْتِخْدَامُ الْجَوَالِ فِي هَذَا الْمَكَانِ مَسْمُوحٌ لِلْحَاضِرِينَ.

٢١. عَيِّن الخطأ عن استعمال الضمير:

- (١) يازميلي ما اسمك؟ اسمك حامد.
(٢) مَنْ ذَلِكَ الْوَلَدُ؟ هُوَ جَارِي.
(٣) أَيْنَ بَيْتُكُنْ؟ بَيْتُنَا قَرِيبٌ مِنَ الْجَامِعَةِ.
(٤) هَذَانِ جَنْدِيَّانِ هُمَا شُجَاعَانِ.

٢٢. عَيِّن الفعل المناسب للفراغ: «أَنْتِ سَيَّاحَةٌ.....» عن القرية البعيدة.

- (١) تَبَحَّثَانِ (٢) تَبَحَّثِينَ (٣) تَبَحَّثَنَ (٤) يَبْحَثُ





٢٣. عَيِّنْ عبارةً جاءَ فيها التركيب الوصفيّ:

- (١) اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا.
(٢) عَمَلُكَ جَيِّدٌ فَأَنَا أَشْكُرُكَ.
(٣) ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾
(٤) شَجَّعَتُ الطَّالِبَةَ الرَّاسِبَةَ عَلَى الْاجْتِهَادِ.

٢٤. عَيِّنْ جواباً كُلَّ أفعاله في الزمن الماضي:

- (١) أَوْجَدَ - نَمَتَ - أَنْزَلَ
(٢) إِيحَثْ - خَلَقَ - ارْجِعُوا
(٣) شَقَّ - زَانَ - يُخْرِجُ
(٤) جَهَّزَ - ضَعُ - أَحَبُّ

٢٥. ما هو المناسب لجواب هذه العبارة: «كم محافظةً تعرف؟»

- (١) في بلدنا (٢) أربعة (٣) مساءً (٤) من إيران

٢٦. عَيِّنْ كلمةً لا تناسبُ الكلمات الأخرى في المعنى:

- (١) الغيم (٢) ريح (٣) مَطَرٌ (٤) صَحِيفَةٌ

٢٧. عَيِّنْ جواباً ما جاء فيه التركيب الإضافي:

- (١) إِيحَثْ في الإنترنت عن نصٍّ قصيرٍ.
(٢) اسْتَلَمَ المُسَافِرُ حَقِيبَتَهُ مِنَ الْمَخْزَنِ.
(٣) شَلَّالٌ سَمِيرَمٌ فِي مَحَافِظَةِ إِصْفَهَانَ.
(٤) لَوْنُ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ جَمِيلٌ جَدًّا.

٢٨. ما هو معنى «الْفُسْتَان»؟

- (١) كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ.
(٢) مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ.
(٣) مِنَ الْمَلَابِيسِ النَّسَائِيَّةِ.
(٤) قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.

٢٩. «المعلِّمُ يَدْرُسُ لِلتَّلَامِيذِ دُرُوساً جَدِيدَةً.» عَيِّنْ غير المناسب في السؤال:

- (١) لِمَنْ يَدْرُسُ الْمَعْلَمُ؟
(٢) مَتَى الْمَعْلَمُ يَدْرُسُ دُرُوساً جَدِيدَةً؟
(٣) مَا يَدْرُسُ الْمَعْلَمُ؟
(٤) مَنْ يَدْرُسُ دُرُوساً جَدِيدَةً؟

٣٠. عَيِّنِ الخطأ عن نوع «لا»:

- (١) أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَرَى أَعْمَالَ النَّاسِ!؟ (نافية)
(٢) لَا يَنْجَحُ مَنْ لَا يَجْتَهِدُ. (نافية)
(٣) لَا تَحْقِرُوا كُلَّ مَنْ لَيْسَ لَهُ مَالٌ. (نافية)
(٤) لَا تَنْتَظِرُنَ النِّجَاحَ مِنَ الرَّاسِبِ. (ناهية)

٣١. كَيْفَ نَكْتُبُ بِالْعَرَبِيَّةِ عبارة «ساعت چهارم»؟

- (١) ساعة أربعة.
(٢) الساعة الأربعة.
(٣) ساعة رابع.
(٤) الساعة الرابعة.